



۲۰۱۹/۰۲/۲۳



حنیف رهیاب رحیمی

# تاکی ای قوم شیران تاکی!؟



زمین و زمان را به گروگان گرفته و گوش فلک را کر کرده اند که تاریخ پنج هزار ساله داریم، در هر گوشه دنیا که گپ از غیرت، مردانگی و کاکگی بلند شود، بروت های خود را تاب می دهند که ما افغان ها بهتر از همه و با غیرت تر از همه مردمان جهان هستیم و دیگران را یک توت هم ارزش نمی دهیم.



به انسان بودن هم راضی نمی شوند و ابلهانه داد می زنند که ما شیر هستیم شیرا!  
خود را از نژاد آریایی هم می دانند و در جنگ و جهانگشایی و دلیری با "ادولف هتلر" (Adolf Hitler) سیالی و رقابت دارند و افتخار می کنند که "سکندر کبیر" را سخت شکست داده اند....  
اما افسوس که در کردار و رفتار روزمره و در صحنه عمل و در واقعیت پسمانده تر، حقیر تر، محتاج تر و بدبخت ترین همه مردمان دنیا هستند.

نه ملا، به ملا مانند است، نه طالب به طالب، نه سیاستمدار سواد دارد، نه رهبر دلسوز و عادل است، نه تاجر و دکاندار با انصاف است و نه مسلمانی شان به مسلمانی می ماند.  
نه دین و آیین دیگران به نظر شان به پیروی می ارزد، نه به قول و پیمان شان وفادار هستند، نه راستگو و وقت شناس و وظیفه شناس، نه قهر شان دلیل موجه دارد و نه خوشی درین سرزمین برای کسی مانده، نه مال و جان کسی در امن و امان است و نه دیگران را از خود بهتر و بالاتر دیده می تواند.....

کلمه طیبه و شهادت می خوانند، پنج وقت نماز را در جماعت ادا می کنند، چاکلیت و شیرینی جلاتین دار را حرام می دانند اما از خوردن حق یتیم و مال ملت و بیت المال یک ذره هم ابا نمی ورزند خون دیگران را مانند شربت انار به سر بالا می کنند. وقتی پای منفعت شخصی شان به میان می آید، گرگ می گردند و وقتی بالای شان فشار و سختی آمد و دیدند که منافع شان را از دست می دهند، به هر در و دروازه خود را می رسانند

**یک چند قراردادی و معامله گر که چوکیداری مقامات بلند را به اجاره گرفته و دیگران را در جمله بنی آدم هم نمی شمردند، درین روزها برای گرفتن قدرت چنان مصروف تک و دو و به هر سو سرگردان هستند که نه دوست را درست می شناسند و نه پروای دشمن را دارند حتی به مالین پیشانی های با طهارت و دستارهای شان بر لخت دروازه لنین و کرملین هم حاضر و آماده هستند.**

اینرا به خاطری می گویم که مجاهدین صاحبانی که از سال ۱۳۵۸ الی بیرون شدن رو سیه ها شوروی در سال ۱۳۶۷ برای مدت ۹ سال علیه روسیه های اشغالگر و کمونیست جهاد کردند، هزاران جوان ساده دل را به کام مرگ فرستادند و لقب مفت و مجانی شهید برایش دادند، میلیون ها انسان را آواره و راهی پاکستان و ایران کردند، چندی پیش با رضا و رغبت و خوشی خود شان، به مسکو تشریف بردند و از پوتین این جانشین کرسی ستالین کبیر، لنین معظم و بریژنف بزرگ! تمنا و التجا کردند که در رسیدن بر کرسی قدرت و حکومت، به آنها دست یاری دهد و نگذارد بی آب و بی پرده شوند و خواستند به آقای شان ثابت سازند که این غنی که خود را مغز متفکر نامیده نزدیک است هم خود را بی آب سازد و هم همه ما را!

**این است غیرت شیران ما، که غر می زدند ما شیر هستیم! شیر**

و اینست همت و شهامت مسلمانان ما که خود را وارثین پیامبر اسلام نام نهاده با کفاندن و مُردار ساختن شان، ده ها هزار طفل را در کشور یتیم و بی پدر و دربردر ساخته اند!

اگر سربازان و افسران قشون سرخ با وجود آن همه جنایات و خونریزی هایی که کردند، درین روزها در کشور شان روی جاده ها ریخته اند و شعار می دهند که آنها به خاطر وظیفه انترناسیونالیستی شان جهت کمک به مردم افغانستان به آنکشور رفته بودند بناءً باید جنگ شان در افغانستان برحق، عادلانه و قانونی شناخته شود، حق شان است و ملامت نیستند. آنها بدون شک به مراتب کمتر و آسان تر از طالب و گلبدین و امثال آنها کشتند.

این ننگ بزرگ را نمی دانم تاریخ چگونه در اوراق سینه اش خواهد گنجانید که عده ای از افغان ها به سرکردگی حامد کرزی و گلبدین و عطای نور و یونس قانونی و محقق و سایر مجاهدین دین فروش، به خاطر ملاقات نماینده وحشی های قرن، آدمکشان حرفوی، مزدوران پاکستان و ایران، جناوران بی احساس و بی مغز به مسکو نزد رو سیه ها رفتند و در حقیقت ارواح لنین کبیر و بریژنف را آرامش و خشنودی بخشیدند.

**ای تشنگان قدرت و دزدهای شناخته شده بشرمید، و از آه و ناله یتیمان، بیوه زنان، مادران و پدران داغدیده، بترسید و به صدای وجدان تان یکبار گوش دهید! اگر داشته باشید!!!!**



(پایان)

**تذکر:**

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

تا به کی ای قوم شیران تا به کی

Rayab\_hr\_taa\_bakay\_ayqaom\_sheraan.docx